

## حوادث کوتاه

## گروگانگیری ۱۰ میلیارد تومانی در بندرعباس

دو گروگانگیر که پسر جوانی را در جنوب ایران ربوده بودند در عملیات پلیسی دستگیر شدند و جوان ربوده شده به آغوش خانواده بازگشت. سردار علی اکبر جاویدان فرمانده انتظامی استان هرمزگان گفت: در پی دریافت گزارش کم شدن جوانی در منطقه گچین بندرعباس با بررسی‌های اولیه صورت گرفته مشخص شد که مرد جوان در شامگاه ۱۰ اردیبهشت ماه سال جاری با خودرو پراید وانت از روستای گچین به مقصد تهران از خانه خارج شده و دیگر به خانه مراجعه نکرده و گوشی تلفن همراه وی نیز همچنان خاموش است. وی افزود: بنا به اقرار خانواده مفقودی، بعد از گذشت چند روز از سوی افراد ناشناس با استفاده خط تلفن همراه مجازی متعلق به یکی از کشورهای همسایه با اعضای خانواده وی ارتباط برقرار کرده و تقاضای مبلغ ۱۰ میلیارد تومان وجه نقد در قبال آزادی وی می‌نمایند که با توجه به اهمیت و حساسیت موضوع، مراتب به صورت ویژه در دستور کار کارگاهان اداره مبارزه با جرایم جنایی آگاهی استان هرمزگان قرار گرفت. این مقام ارشد انتظامی استان اظهار داشت: با انجام اقدامات فنی و اطلاعاتی مشخص شد فرد مفقودی توسط افرادی به قصد اخاذی ربوده شده و برای نگهداری به مکان نامعلوم منتقل شده است که در تحقیقات به عمل آمده ۲ نفر از عاملان ربایش، شناسایی شدند، همچنین با کار اطلاعاتی گسترده‌تر محل اختفای متهمان در اصفهان شناسایی شد. سردار علی اکبر جاویدان خاطر نشان کرد: مأموران با تشکیل تیمی ضمن هماهنگی با مقام قضایی به استان اصفهان اعزام شده و با همکاری پلیس آگاهی خمینی شهر اصفهان در یک عملیات منسجم هر ۲ گروگانگیر دستگیر و با قرار صادره بازداشت شدند و تحت نظر قرار گرفتند. فرمانده انتظامی استان هرمزگان بیان داشت: در این رابطه دو دستگاه خودرو متعلق به متهمان توقیف و نسبت به انسداد ۱۳ فقره حساب بانکی آنان اقدام شد و در نهایت در سیر مراحل تحقیقات محل نگهداری گروگان در یکی از استان‌های همجوار شناسایی و در یک عملیات موفق پلیسی فرد ربوده شده صحیح و سالم به آغوش خانواده بازگردانده شد.

## محاکمه به صورت ویدیو کنفرانس از داخل زندان

## حمله سامورایی‌ها به ویلای تاجر ایرانی



نیزبیا ابراز پشیمانی از جریمی که مرتکب شده درخواست بخشش کرد. پس از پایان اظهارات متهمان و وکلایشان، رئیس دادگاه ختم جلسه دادگاه را اعلام کرد و برای صدور رأی با دیگر قضای مستشار خود وارد شور شدند.

اتهامش گفت: قبول دارم که سرقت را مرتکب شدم و حالا تقاضای بخشش دارم. آن‌گاه متهم دیگر پرونده با قبول اتهامش مدعی شد که بسیار تلاش کرده است تا رضایت شاکلی را جلب کند و حاضر است که با بازگرداندن اموال سرقت شده اشتباهش را جبران کند. متهم سوم

نان و نمک خورد اما خیانت کرد و اموال مرا دزدید. من بارها به او کمک کردم و رسمش نبود در مقابل رفاقتی که باهم داشتیم چنین نقشه کنیفی را اجرائی کند. سپس متهمی که در زندان بود از طریق مانیتری که مقابل رئیس دادگاه قرار داشت در برابر تفهیم

نیز خیلی زود شناسایی شدند. بدین ترتیب میثم و سعید دستگیر شدند اما پاسر (نفر چهارم) با گذشت بیش از ۲ سال از این ماجرا همچنان فراری و تحت تعقیب است. **محاکمه با ویدئو کنفرانس**  
سرانجام متهمان در شعبه یکم دادگاه کیفری تحت محاکمه قرار گرفتند. متهم اصلی که در زندان بود به صورت ویدیو کنفرانس تحت محاکمه قرار گرفت و دو متهم دیگر که با قید وثیقه از زندان آزاد شده بودند پای میز محاکمه ایستادند. در ابتدای جلسه دادگاه، شاکلی پرونده بار دیگر به شرح ماجرا پرداخت و در حالی که برای متهمان درخواست مجازات داشت، گفت: این ۴ دزد با شمشیر شبانه وارد خانه‌ام شدند و مرا مورد ضرب و جرح قرار دادند. با اینکه نزدیک به ۳ سال از این ماجرا سپری شده هنوز جای زخم‌ها روی بدنم مانده است و همسرم هنوز وحشتزده و افسرده است. او اهل سوئد است و این خاطره بد در ذهنش باقی مانده است. برای آسیب بدنی که به من وارد شد ۵۰ میلیون تومان دیه تعیین کردند اما آسیب روحی‌ای که به من و همسرم وارد شده قابل جبران نیست. این مرد سال‌ها در خانه من

چهار مرد نقابدار به سبک سامورایی‌ها به خانه تاجر ایرانی و همسر سوئدی‌اش در کرج حمله کردند و دست به سرقت میلیاردری زدند. یکی از این سامورایی‌های خشن فراری است و ۳ عضو دیگر این باند در دادگاه تحت محاکمه قرار گرفتند. **دندان نقابدار**  
به گزارش خبرنگار «ایران»، رسیدگی به این پرونده از وقتی شروع شد که مردی با مرکز پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و سراسیمه به مأموران گفت: با همسرم در خانه نشسته بودیم که ناگهان ۴ مرد نقابدار وارد خانه شدند و اموالمان را سرقت کردند. وقتی مأموران راهی خانه ویلایی این مرد شدند، او را که بشدت مجروح شده بود همراه همسر خارجی‌اش پیدا کردند. وی پس از انتقال به بیمارستان به مأموران گفت: من تازه از سفر خارج آمده بودم و با همسرم در خانه نشسته بودیم که شبانه ۴ نفر که صورتشان را با نقاب سیاه پوشانده بودند وارد خانه ما شدند و با شمشیر و قمه مرا زخمی کرده و همسرم را تهدید به مرگ کردند. بعد هم به زور هرچه دلار و طلا و اموال قیمتی در خانه داشتیم سرقت کردند.

عمومی جنایتکار و دیگر عاملان جنایت اصرار بر بی گناهی دارند

## قرار مرگ در زیرزمین خانه قدیمی



بازداشت شدند. آنها گفتند در محل قتل حضور داشته‌اند اما ضربه‌ای به قربانی نزده‌اند و ضربه‌های کاری را عموی بهنام به او زده است. بدین ترتیب برای نادر به اتهام قتل عمد و برای ۴ همدست او به اتهام معاونت در قتل کیفرخواست صادر و پرونده‌شان برای رسیدگی به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. **در دادگاه**  
در ابتدای جلسه اولیای دم برای نادر حکم قصاص و برای سایر متهمان اشد مجازات خواستند و اعلام کردند به هیچ قیمتی حاضر به گذشت نیستند. سپس نادر روبه‌روی قضات ایستاد و اتهامش را نیز پرفت. وی گفت: من برادرزاده‌ام را نکشتم. ما هر چقدر هم با هم اختلاف داشتیم ولی من هرگز راضی به مرگش نبودم. آن روز هم در زیرزمین خانه با او درگیر شدم و فقط می‌خواستیم علت رفتار او را بدانم. ولی نمی‌دانم چه کسی ضربات چاقو را به او زد و موجب مرگش شد. بهنام مقدار زیادی مواد مخدر در ماشینم جاساز کرده بود تا زندگی‌ام را سیاه کند با این حال من راضی به مرگش نبودم و اتهام قتل را قبول ندارم. قاضی پرسید: در جریان بازجویی‌ها بارها به قتل برادرزاده‌ات اعتراف و همچنین صحنه جنایت را با جزئیات بازسازی کردی. حالا چطور منکر قتل می‌شوی؟

برادرزاده‌اش غمزه نشان دهد و پلیس را گمراه کند وقتی فهمید پلیس به حقیقت پی برده لب به اعتراف گشود و گفت: من و برادرزاده‌ام اختلاف سنی کمی با هم داریم. به همین خاطر همیشه با هم رفیق بودیم. اما چند ماه قبل بهنام در ماشین من مواد مخدر جاسازی کرده بود تا من به جرم حمل مواد مخدر به زندان بروم که متوجه ماجرا شدم و مواد را از ماشینم خارج کردم و برادرزاده‌ام به هدفش نرسید. من از رفتار برادرزاده‌ام همسره داشتم اما ضربه‌ای به بهنام نزدم. من فقط بقیه او را گرفتم و چند سیلی به او زدم تا حرف بزند و حقیقت را بگوید. ما در این قتل دستی نداریم با چاقو زد؟! سپس چهار همدست این عموی ناخلف یک به یک به دفاع پرداختند. آنها همگی منکر معاونت در قتل شدند و گفتند: ما چاقویی به مقتول نزدیک و نمی‌دانیم چه کسی بهنام را کشته است. ما وقتی دیدیم که بهنام و عمویش با هم درگیر شده‌اند تلاش کردیم آنها را از هم جدا کنیم اما نشد. یکی از آنها گفت: ما دشمنی با بهنام نداشتیم و به خاطر عمویش به آنجا رفته بودیم و حتی فکر نمی‌کردیم آنها با هم درگیر شوند. ولی وقتی با هم درگیر شدند ما تلاش کردیم به دعوا پایان دهیم. اما حالا خودمان در جایگاه متهم ایستاده‌ایم. ما در این قتل دستی نداریم و بی دلیل بازداشت شده‌ایم. با پایان دفاعیات متهمان، قضات وارد شور شدند تا رأی صادر کنند.

## عمومی جنایتکار و دیگر عاملان جنایت اصرار بر بی گناهی دارند

## قرار مرگ در زیرزمین خانه قدیمی

## قتل پسر با شلیک گلوله پدر خشمگین

پدر سنگدلی که فرزند خود را با اسلحه به قتل رسانده بود با پلیس تماس گرفت. سهرنگ غلامحسین غلخونودزاده جانشین فرمانده انتظامی خضر (استان فارس) گفت: در پی اعلام گزارشی به پلیس ۱۱۰ مبنی بر وقوع یک تیراندازی مرکبار در یکی از روستاهای این شهرستان، بلافاصله مأموران برای بررسی موضوع به محل اعزام شدند. وی افزود: مأموران در بررسی‌های اولیه مطلع شدند که پدری ۵۵ ساله به دلیل اختلاف خانوادگی فرزند ۲۱ ساله خود را با شلیک اسلحه شکاری به قتل رسانده است. جانشین فرمانده انتظامی خضر با بیان اینکه قاتل خودش به ۱۱۰ زنگ زده بود برای سیر مراحل قانونی روانه دادسرا شد، از شهروندان خواست با مراجعه به مراکز مشاوره فعال و دارای مجوز مشکلات خود را بر طرف کنند تا شاهد حوادث این چنین دلخراشی نباشیم.

## جنایت در جشن عروسی

پراثر تیراندازی در مراسم عروسی، جوان ۱۹ ساله‌ای در شهرستان رامیان به قتل رسید. سهرنگ ابوالفضل وزیر فرمانده نیروی انتظامی رامیان گفت: در پی اعلام خبری به پلیس ۱۱۰ مبنی بر اینکه جوانی ۱۹ ساله با اثر شلیک گلوله به سر در شهرستان رامیان به قتل رسیده است، بررسی موضوع به صورت ویژه در دستور کار مأموران پلیس آگاهی قرار گرفت. وی افزود: مأموران پلیس آگاهی رامیان در بررسی‌های اولیه مطلع شدند که شب گذشته فردی در یک مراسم عروسی هنگام شادی با اسلحه به صورت سهوی به سمت جوان ۱۹ ساله تیراندازی کرده که وی متأسفانه فوت می‌شود. فرمانده نیروی انتظامی رامیان گفت: مأموران تحقیقات خود را آغاز و ضارب را شناسایی کردند و کمتر از ۲۴ ساعت قاتل دستگیر شد. وزیر با اشاره به اینکه سلاح گرم به کار رفته در قتل کشف شد، بیان داشت: قاتل در تحقیقات به عمل آمده به قتل ارتکابی اعتراف کرد و پس از تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی به مرجع قضایی معرفی شد. وی بابیان اینکه تیراندازی در مراسم جشن و عزای رسم‌های غلطی است که بیشتر اوقات باعث وقوع حوادث تلخ و ناگواری همانند واقعه اخیر می‌شود، گفت: پلیس قطعاته با افرادی که اقدام به خرید، فروش و نگهداری سلاح‌های غیرمجاز می‌کنند، برخورد می‌کند و از شهروندان درخواست می‌شود در صورت اطلاع از این گونه موارد مراتب را از طریق تلفن ۱۱۰ به پلیس اطلاع دهند تا برخورد قانونی با متخلفان صورت گیرد.

## جسد این پسر ۴ ماه ناشناس بود

## رازگشایی از مرگ یخی مسافردانمارک در تهران

به بازپرس جنایی گفتند: «پیام ۳۰ سال سن داشت و از مدتی قبل قصد مهاجرت به دانمارک را کرده بود. همه کارهای اداری‌اش را برای مهاجرت انجام داده بود و فقط می‌گفت باید کار کند و کمی پول پس‌انداز کند. برای همین از شهر خودمان یعنی فسا به تهران آمد و می‌خواست سخت‌تر کار کرده و پول پس‌انداز کند، سپس مقدمات سفر خود را فراهم کند.» این خانواده در ادامه گفتند: «پیام همیشه سخت‌نشین بود. کمی کمتر فرصت می‌کرد با خانواده تماس بگیرد یا خبری از اوضاع خودش به ما بدهد، ما هم گاهی سراسری از او می‌گرفتیم اما برای اینکه مزاحم کارش نباشیم سعی می‌کردیم زیاد تماس نگیریم. تا اینکه این اواخر تماس‌های بی‌پاسخ خانواده به پیام باعث نگرانی همه ما شده بود. هر چند ما با او دیر به دیر حرف می‌زدیم اما امکان نداشت این همه وقت او ما را از خودش بی‌خبر بگذارد. برای همین حدس می‌زدیم که قطعاً اتفاق تلخی برای او افتاده است.»

گره کور مرگ دردناک مسافر دانمارک در تهران باز شد. به گزارش «ایران» در ایام عید نوروز اسما جسد مرد جوانی در کنار یک رودخانه در ارتفاعات شمال تهران افتاده بود. زمانی که کوهنوردان رهگذر با جسد او مواجه شدند، بلافاصله رسیدگی به موضوع برای روشن شدن علت مرگ در دستور کار وحید ناصری بازپرس کشیک قتل پایتخت قرار گرفت. این در حالی بود که بررسی‌های ابتدایی حکایت از آن داشت که پیش از چند روز از مرگ هولناک مرد جوان می‌گذرد. مقداری از بدن مخدر در ماشینم جاساز کرده بود تا زندگی‌ام را سیاه کند با این حال من راضی به مرگش نبودم و اتهام قتل را قبول ندارم. قاضی پرسید: در جریان بازجویی‌ها بارها به قتل برادرزاده‌ات اعتراف و همچنین صحنه جنایت را با جزئیات بازسازی کردی. حالا چطور منکر قتل می‌شوی؟ متهم پاسخ داد: من در پلیس آگاهی تحت فشار روانی بودم و به ناچار به قتل اعتراف کردم. اما حالا واقعتاً را می‌گویم. بهنام می‌خواست من به جرم حمل مواد مخدر زندانی یا اعدام شوم. به همین خاطر در ماشینم مواد مخدر جاساز کرده بودم. من فقط می‌خواستم او را ادب کنم تا دیگر با من درگیر نشود اما نمی‌خواستم او بمیرد. به همین خاطر هم وقتی خونین روی زمین افتاد با اورژانس تماس گرفتم. قاضی پرسید: اگر قصد قتل نداشتی چرا با چاقو در زیرزمین خانه‌ات در انتظار برادرزاده‌ات ماندی؟ متهم: من قبول دارم آن شب چاقو همراه داشتم اما ضربه‌ای به بهنام نزدم. من فقط بقیه او را گرفتم و چند سیلی به او زدم تا حرف بزند و حقیقت را بگوید. ما در این قتل دستی نداریم با چاقو زد؟! سپس چهار همدست این عموی ناخلف یک به یک به دفاع پرداختند. آنها همگی منکر معاونت در قتل شدند و گفتند: ما چاقویی به مقتول نزدیک و نمی‌دانیم چه کسی بهنام را کشته است. ما وقتی دیدیم که بهنام و عمویش با هم درگیر شده‌اند تلاش کردیم آنها را از هم جدا کنیم اما نشد. یکی از آنها گفت: ما دشمنی با بهنام نداشتیم و به خاطر عمویش به آنجا رفته بودیم و حتی فکر نمی‌کردیم آنها با هم درگیر شوند. ولی وقتی با هم درگیر شدند ما تلاش کردیم به دعوا پایان دهیم. اما حالا خودمان در جایگاه متهم ایستاده‌ایم. ما در این قتل دستی نداریم و بی دلیل بازداشت شده‌ایم. با پایان دفاعیات متهمان، قضات وارد شور شدند تا رأی صادر کنند.